

از این نظر ما حالا درگیر مسائل و مشکلات بسیاری در بین نوجوانان هستیم.

دقیقاً همینطور است به طور قطع موضوع پرورش یکی از موضوعات مورد علاقه شما است، در برنامه هایتان هم این موضوع مشخص است اما هم اکنون هم آنطور که باید و شاید در مدارس به این موضوع توجهی نمی شود، شما فکر می کنید برنامه شما در این بخش به زمان نیاز دارد یا اینکه به خاطر حساسیت هایی که در آموزش و پرورش وجود دارد، کسانی می خواهند که فقط وزارتخانه بر مسائل آموزشی تمرکز کند؟

من فکر نمی کنم که حساسیت وجود داشته باشد و البته کسی هم از ما چیزی را نمی خواهد. ببینید ما در این سال ها فقط از معلم ریاضی خواستیم برود سر کلاس درس و فقط ریاضی آموزش دهد، وقتی به این معلم می گوئیم که آیا شما مسئولیت تربیت دانش آموزان را برعهده دارید، می گوید نه، مسئولیت پرورش با شخص دیگری است. نخستین موضوع این است که باید این مسأله را نهاده کنیم که بحث تربیت جدای از فرآیندهای کلاس درس نیست، مسئولیتش با همه معلمان مدارس است، برای همین هم است که بخوبی در سند تحول به این مسأله اشاره شده که نام معلم به مریب تغییر پیدا



کند. مریب کسی است که کمک می کند بچه ها رشد کنند. یکی از مأموریت هایش هم این است که دانش مثلاً ریاضی را هم به دانش آموزانش یاد دهد.

خب هم اکنون شما با برخی از معلمان بی انگیزه ای روبه رو هستید که حتی انگیزه کافی برای درس های خودشان ندارند، چطور می خواهید که آنها به موضوع پرورش دانش آموزان رسیدگی کنند؟

بله در جریان این موضوعات هم هستیم و در دانشگاه فرهنگیان هم این موضوع مطرح شد. این مرکز آموزشی باید در این باره فعالیت بیشتری داشته باشد. همه معلمان مکلف هستند همین رویکرد را در مدارس داشته باشند. ما هم وظیفه داریم که به این موضوع توجه بیشتری داشته باشیم. درباره معلمان هم باید بگوئیم که وقتی با معلمان در مدارس صحبت می کنم برخی ها از این موضوع ابراز خوشحالی می کنند. مطمئنم که آنها همکاری لازم را خواهند داشت.

بله برخی از معلمان در کنار تدریس شان مهارت های زندگی را هم به دانش آموزان آموزش می دهند که تعدادشان هم بسیار اندک است اما همین معلم وقتی می خواهد موضوع اجتماعی را به دانش آموز آموزش دهد حراست او را صدا می زند و از معلم می خواهد فقط مباحث آموزشی را در کلاس درس ارائه دهد.

این مسائل در برخی مناطق وجود دارد. همه به دنبال این موضوع هستیم که سند تحول به طور واقعی اجرا شود. این حساسیت هایی که شما عنوان می کنید البته امکان دارد در برخی نقاط وجود داشته باشد که ما باید سعی کنیم این نوع نگرش را از بین ببریم و البته یکی از برنامه های من در وزارتخانه این بوده که نگاه امنیتی به آموزش و پرورش را اصلاح کنم، تا جایی که توانستم در این مدت این موضوع را اصلاح کردم با این حال حاکمیت چنین نگاهی به معلم را نمی خواهد. سیاست های کلان دولت و وزارتخانه بر این است که نگاه امنیتی روی معلم نباشد.

برای همین بوده که شما تغییر و تحولی در معاونت پرورشی داشته اید؟ در حقیقت این معاونت در سال های

گذشته فقط تورهای سیاسی و نمایشی برگزار می کرده و منتقدان این حوزه می گویند که جای مشاوره به شدت در این معاونت خالی مانده است.

اتفاقاً به نکته خوبی اشاره کردید یکی از دلایلی که موجب شد تا این حوزه را به آقای دکتر فیض بدهم این است که مسئولیت معاونت پرورشی فقط برگزار می شود نیست. توقعم از معاونت پرورشی این است که در کنار معاونان آموزشی برنامه ای مدون برای تربیت دانش آموزان داشته باشد. بحث تربیت جدای از سیستم آموزشی نیست. ما باید مشاوره های تخصصی به دانش آموزان و اولیای آنها بدهیم. خیلی از اولیا هم نمی دانند چگونه با فرزندشان و مدرسه کنند.

با برخی از دانش آموزان درگیر آسیب

صحبت هایی داشتیم بیشتر دانش آموزان درگیر آسیب، نوجوانان ضعیف النفسی هستند که همین نداشتن اعتماد به نفس آنها را وارد حوزه هایی کرده که برایشان خطر ساز شده است. همچنین بیشتر دانش آموزان که درگیر آسیب اجتماعی می شوند حالت یأس و ناامیدی نسبت به زندگی و آینده دارند

یعنی تعداد مشاورها را زیاد می کنید؟

یک معلم با توجه به تخصص هایی که در دانشگاه فرهنگیان می بیند، خودش یک مشاور است. ما نمی خواهیم هم مشاور داشته باشیم هم معلم. ما معلمانی را تربیت می کنیم که در بحث مشاوره هم دخالت داشته باشند.

یعنی شما می خواهید مشاوره را در مدارس حذف کنید؟

خیر، اصلاً بحث من اصلاً این نیست که بحث مشاوره در مدارس حذف شود. اما بحث کلان تربیت توسط همه معلمان داخل مدرسه شکل گیرد و در کنارش مشاوران تخصصی را می گذارم برای افرادی که مشکل و مسأله دارند. من می گویم بحث تربیت فقط مسئولیتش با مشاورها نیست. با این حال اعتقاد ویژه ای هم به گسترش مشاوره تخصصی در مدارس دارم.

البته که معلم به تنهایی نمی تواند این همه آسیب های اجتماعی که بین دانش آموزان شایع شده است را کاهش دهد. توجه کنید که رهبر معظم انقلاب امسال با جمعی از مسئولان کشوری دیدار داشتند و در آنجا رنگ خطر آسیب های اجتماعی را به صدا آوردند. این موضوع در مدارس هم دیده می شود. شما چه برنامه ای برای کاهش آسیب های اجتماعی دارید؟

ما دور و بگردیم می توانیم نسبت به این مسأله داشته باشیم. برای دانش آموزان درگیر آسیب، سیستم مجزای آموزشی بگذاریم اما باید بدانیم که با این آموزش ها دانش آموزان ما واکنش نمی شوند. بنده معتقدم این موضوع با این راهکارها حل نمی شود. اگر بخواهیم از آسیب های اجتماعی پیشگیری کنیم، باید علت یابی درستی از این موضوع داشته باشیم. با برخی از دانش آموزان درگیر آسیب، صحبت هایی داشتیم که به این نتیجه رسیدیم بیشتر دانش آموزان درگیر آسیب نوجوانان ضعیف النفسی هستند که همین نداشتن اعتماد به نفس آنها را وارد حوزه هایی کرده که برایشان خطر ساز شده است. همچنین بیشتر دانش آموزان که درگیر آسیب اجتماعی می شوند حالت یأس و ناامیدی نسبت به زندگی و آینده دارند. متأسفانه دانش آموزان ما وقتی با بحران روبه روی می شوند، نمی توانند آن را حل کنند. پس در اینجا جای خالی مهارت های اجتماعی دیده می شود. این مهارت ها در کلاس درس باید تدریس شود. آقای معلم مریب یکی از وظایفش این است که اعتماد به نفس دانش آموز را بالا ببرد و روش های حل مسأله را آموزش دهد.

به نظرم این موضوع بیشتر شعاری است تا اجرایی، هم اکنون برخی دانش آموزان در وضعیت خوبی به سر نمی برند.

به هر حال باید قبول کنیم که این موضوع زمانبر است و یکی دو

سال آینده حل نمی شود. روال تعلیم و تربیت پروسه ای طولانی مدت است. ما به جای اینکه بخواهیم سریع نتیجه گرا باشیم، باید بیاد پریم فرایند رسیدن به مسأله چگونه است.

آقای دکتر! سن آسیب های اجتماعی پایین آمده است تا موضوع آسیب های اجتماعی مطرح می شود وزارت آموزش و پرورش سکوت می کند و حرف هایی می زند که با واقعیت مدارس همخوانی ندارد.

اصلاً این گونه نیست؛ ما نسبت به این مسأله احساس مسئولیت می کنیم و باید هم پاسخگو باشیم. یکی از دستگاه هایی که می تواند آسیب های اجتماعی را تقلیل دهد، وزارت آموزش و پرورش است. ببینید یکی از علل فراری بودن دانش آموزان از مدرسه همین حجم کتاب درسی است. من به عنوان وزیر باید در باره این موضوع فعالیت کنم.

آقای دانش آشتیانی شما چقدر از واقعیت مدارس کشور باخبر هستید؟

اطلاع زیادی دارم، اما نباید برای کاهش آسیب ها راهکارهای کوتاه مدت را در نظر بگیریم نگرانی من این است که صورت مسأله را با راه حل های کوتاه مدت پاک کنیم. این ریشه یابی نیست و مسائل ادامه پیدا می کند در شرایط فعلی نباید اقدام کوتاه مدت داشته باشیم.

درباره تنبیه در مدارس چطور؟ هر روز از گوشه و کنار کشور خبرهایی مبنی بر آزار و اذیت دانش آموزان از سوی معلم می شنویم، سیاست های بازدارنده شما برای تنبیه در مدارس چیست؟

پاسخ به این سؤال را با بیانات رئیس جمهوری آغاز می کنم که بارها تأکید کردند: «آشنایی با قانون و قانونمندی باید از مدرسه آغاز شود. دانش آموزان باید بدانند از احترام و کرامت برخوردار هستند. دانش آموزان باید بدانند از عواطف مدبر و معلم به طور یکسان برخوردار هستند. تمامی دانش آموزان از امنیت جسمانی و امنیت روحی در مدرسه برخوردار هستند. هیچ معلمی نباید به دانش آموزان توهین کند. اگر در گوشه ای از کشور، دولت تدبیر و امید مواجه با تنبیه بدنی شود با اشد مجازات با آن برخورد می کند. باید دانش آموزان با حقوقشان آشنا باشند و در کنار آن تکالیف شان، تکلیف نظم کلاس، تکلیف احترام به معلم، تکلیف درست درس خواندن و تکلیف آن که در داخل کلاس به همکلاسی احترام بگذارند، تکلیف آن که یک دانش آموز حق ندارد با همکلاسی خود به دعوا و مشاجره بپردازد. آموزش و پرورش گستره ای به بزرگی ایران دارد و با اکثر قریب به اتفاق جامعه در ارتباط است.

نزدیک به یک میلیون فرهنگی در سطح کشور در سطوح مختلف آموزش و پرورش به خدمت مشغول هستند، بنابراین به صورت منطقی در گستره ای به این وسعت و با این فراوانی، هیچ وقت نمی توانیم یک امر مطلق داشته باشیم و بر آن پافشاری کنیم، یعنی نمی توانیم بگوئیم به صورت مطلق و در هیچ مدرسه ای و در هیچ جای کشور هیچ تنبیهی اتفاق نمی افتد. قوانین پیش بینی شده نشان می دهد که تنبیه سابقه تاریخی دارد و پدیده ای نیست که منحصر به مدارس ما شود.

قوانین مربوط به تشویق و تنبیه در مدارس جهان وجود دارد. بدون شک تلاش ما این است که همه با هم کمک کنیم که با نگاهی واقع بینانه، تنبیه انضباطی در دانش آموزان به حداقل برسد. در خصوص تنبیه بدنی هم اعتقاد را سخ دارم که این امر برخلاف اصول تعلیم و تربیت و قوانین موجود آموزش و پرورش است. این یک واقعیت است که اکثریت معلمان ما مزین به اخلاق اسلامی و ارزش های انسانی و آراسته به فرهیختگی و فرهنگی بودن هستند و رعایت اصول و دلسوزی و مهربانی به امر آموزش و تربیت دانش آموزان مشغول هستند. خیلی اوقات ما چهره ظاهری معلم را می بینیم اما در بافتی از آن نمی توانیم داشته باشیم. معلم ها با همه وجودشان برای بچه ها کار می کنند. معلم از وضع تحصیلی، از مشکلات خانوادگی دانش آموز، در تنهایی خود رنج می برد، غصه می خورد، هیچ کس اینها را نمی بیند. معلم برای آرامش بچه ها، پیگیری هایی خارج از کلاس دارد، دلسوزی می کند، اما کسی به اینها نمی پردازد. پرداختن به این کارها که در هیچ دستورالعمل، آیین نامه و بخشنامه ای بر معلم تکلیف نشده، شایسته قدر دانی است. اما متأسفانه با وجود این همه ایثار، گاهی تنبیه بدنی هم در مدارس دیده می شود که قابل پذیرش نیست.